

مبانی اخلاقی رفتار همسران مسلمان از منظر قرآن (با نگاهی به مباحث روان‌شناسی مرتبط)

محبوبه موسایی پور*

چکیده

موضوعات مهمی چون ارتباط‌های صحیح همسران در زندگی مشترک و در ابعاد گوناگون، از جمله بُعد رفتاری، از ضرورت‌های فرهنگی هر جامعه برای پاسداشت خانواده است که هر دو حوزه علم و دین به آن توجه کرده‌اند. همچنین، مبانی و شاخصه‌های معیّتی در هر دو حوزه برای این موضوع وجود دارد. هدف پژوهش تبیینی حاضر، بررسی مبانی اخلاقی رفتار همسران مسلمان از منظر قرآن است. در این نوشتار به روش تحلیلی استنتاجی حُسن معاشرت یا به تعبیر قرآن، معاشرت به معروف، به عنوان مبنای اخلاقی و محوری در حوزه رفتار همسران با یکدیگر مطرح شد. این مبنا تمامی رفتارهای اخلاقی همسران در قبال یکدیگر را دربرمی‌گیرد. همچنین،

* دکترای اخلاق و عرفان، عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور، مرکز کوار فارس.

m.mousaeipour@yahoo.com

تاریخ تأیید: ۱۳۹۴/۱۱/۰۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۹/۳۰



در این مقاله تمامی رفتارهای همسران، زیرمجموعهٔ تکریم و تغافل و تقابل قرار گرفتند که هریک به نوبهٔ خود، اصلی اخلاقی در حوزهٔ رفتار قلمداد می‌شوند.

واژگان کلیدی

مبنا، اخلاق، رفتار، همسران، قرآن.

طرح مسئله

رفتارهایی که هریک از انسان‌ها در برابر یکدیگر از خود بروز می‌دهند، نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری فرهنگ جامعه، ارزش‌ها و هنجارهای فردی و اجتماعی، پی‌ریزی هدف‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت و نیز توسعهٔ مدنی و اقتصادی آن جامعه دارد. در جوامعی که بیشترین ساکنان آن را افراد پیرو یک دین تشکیل می‌دهند، رفتارها نقش تعیین‌کننده‌تری در شکل‌گیری فرهنگ و ارزش‌ها و هنجارها دارند. به همین دلیل امروزه، چگونگی رفتار همسران با یکدیگر در کوچک‌ترین نهاد جامعه، یعنی خانواده، یکی از مباحث مهم و ضروری و درخور توجه جامعهٔ اسلامی است. برای ارائهٔ الگو و معرفی رفتارهای صحیح و استاندارد همسران در خانواده، ملاک و اصولی مطابق با ارزش‌ها و فرهنگ اسلامی لازم است. همچنین، این الگوی صحیح به ما کمک می‌کند که به این پرسش پاسخ دهیم که در کدامین سطح از سطوح ارزش‌های عمیق و غنی اسلام ایستاده‌ایم.

هرچند کتاب‌ها و مقاله‌های فراوانی تحت عنوان آیین همسراری و خانوادهٔ موفق نوشته شده است،^۱ در این نوشته‌ها نظر قرآن دربارهٔ مبانی اخلاقی زندگی

۱. کتاب‌هایی همچون تشکیل خانواده در اسلام از علی قایمی، اخلاق در خانواده از علی‌اکبر حسینی، خانواده در مکتب قرآن و اهل بیت از کاظم ارفع، خانواده در نگرش اسلام و روانشناسی از محمدرضا سالاری فرد و

همسران و مؤلفه‌های محوری و مهم آن، کمتر دیده شده است که تأمل بیشتری می‌طلبد. از این رو، در این نوشتار با تکیه بر آیه‌های قرآن سعی شده است که بایسته‌ها و شایسته‌های ناب اخلاقی در حوزه رفتار همسران استخراج و معرفی شود تا نه تنها پیوند مودت‌آمیز و عاشقانه همسران محکم و استوار باقی بماند، بلکه حتی در صورت بی‌رغبتی به همسر نیز، تعهد و پایبندی به زندگی حفظ شود و خانواده فرونیاشد.

رفتار

رفتار در روان‌شناسی رفتاری این‌گونه تعریف می‌شود:

هر فعالیتی که ارگانیسم (جاندار) انجام می‌دهد و به وسیله ارگانیسمی دیگر یا یک ابزار اندازه‌گیری، قابل مشاهده یا اندازه‌گیری است. بنابراین، رفتار هم شامل حرکات بیرونی می‌شود؛ مانند حرکات سر و دست، سخن گفتن، نوشتن، و... هم شامل حرکات درونی، مانند ضربان قلب، اتساع شرایین، انبساط مژانه و ... و هم شامل فعالیت غددی، مانند ترشح بزاق دهان یا ترشح هورمون (سیف، ۱۳۹۲: ۳۲). منظور از رفتار در این پژوهش عملکرد فرد و موضع‌گیری و سخنی است که بر زبان می‌آورد.

اخلاق

با ظهور اسلام و پای‌گرفتن حوزه فرهنگی گسترده آن، اخلاق به‌عنوان شاخه‌ای از علوم انسانی که در آن از ارزش‌ها و رفتارهای آدمی بحث می‌شود، توجه

تحکیم خانواده/از نگاه قرآن و حدیث محمدی ری شهری و همچنین مقالاتی مانند «جایگاه همسانی اخلاقی زوجین در تشکیل خانواده در فقه و حقوق موضوعه» از محمد مهدی زارعی، «بایسته‌های اخلاقی همسران و نقش آن در تربیت فرزندان» از علی احمد پناهی و «نقش ایمان و اخلاق در تحکیم بنیاد خانواده» از آیت‌الله ابراهیم امینی.

متفکران مسلمان را به خود جلب کرد. زیرمجموعه‌های گوناگون اخلاق اسلامی، همچون اخلاق فلسفی، اخلاق عرفانی، اخلاق کلامی و نیز اخلاق سنتی و تلفیقی، همگی در ساختاری به هم پیوسته، بر اخلاق دینی مبتنی بر قرآن و سنت نبوی متکی‌اند و این پیوستگی به گونه‌ای است که تصور اخلاق مجرد از دین دشوار است (اعوانی و پاکتچی، ج ۷، بی تا: ۲۰۱ تا ۲۱۵). با این توصیف، آنچه از اخلاق در این تحقیق مدنظر است، آموزه‌های ارزشی اسلام در قالب آیه‌ها و روایت‌ها و توصیه‌های عالمان اسلامی است که بیشتر، مبتنی بر شئون وجودی انسان و متناسب با هدف‌های نهایی تعلیم و تربیت اوست.

سبک زندگی

این مفهوم که از اوایل قرن بیستم در غرب رواج یافت، بیانگر روش زندگی فرد در حوزه‌های گوناگون زندگی، اعم از فردی و اجتماعی است. این معنا بیشتر، درخصوص انطباق زندگی فردی با تیپ‌های شخصیتی یا گروهی خاص به‌کار می‌رود. سبک زندگی عنوانی شناخته شده است که از زاویه‌های متعدد به آن نگاه می‌شود. مؤلفه‌های شناخته شده آن در دنیای علمی امروز عبارت‌اند از: فعالیت‌های فیزیکی، اوقات فراغت، خواب و بیداری، روابط اجتماعی، روابط خانوادگی، معنویت، ایمنی و آرامش، تغذیه و ... که هر یک به‌منزله بزرگ‌راهی از راه‌های زندگی افراد است. سبک زندگی شیوه‌ای نسبتاً ثابت است که فرد، هدف‌های خود را به‌وسیله آن پی می‌گیرد (کاویانی، ۱۳۹۰: ۲۷). درک ماهیت سبک زندگی نیاز به درک فلسفی دارد و این عبارت، صورت ظاهری نسبتی است که انسان با وجود خودش و جهان برقرار می‌کند. بنابراین، می‌توان گفت که سبک زندگی دربرگیرنده تمام موضوعات زیستی فرد و

نشان‌دهنده نوع نگاه او به موضوعاتی است، مثل خانواده، ازدواج، مسکن، پوشش، الگوی مصرف، تغذیه، تفریحات و نحوه گذران اوقات فراغت، کسب‌وکار، رفتار حرفه‌ای در محل کار و دانشگاه و مدرسه و نیز رفتارهای سیاسی و ورزشی و رسانه‌ای.

روش تحقیق

گردآوری داده‌ها در این پژوهش کتابخانه‌ای و به روش تحلیلی استنتاجی است.

مبانی رفتار در حوزه علم و دین

امروزه، یکی از مفاهیم مهمی که بسیاری از دانشمندان علم روان‌شناسی، علم مطالعه رفتار، در زمینه مبانی رفتار انسان بر آن تکیه می‌کنند، مفهوم «سازگاری» یا «سطح انطباق» است. بی‌شک، این مفهوم نقش مهم و زیربنایی در زندگی انسان، به‌خصوص در زندگی مشترک دارد و او را در رسیدن به هدف‌های عالی ازدواج، همچون آسایش تن و آرامش و تعالی روان یاری می‌رساند. سازگاری یا سطح انطباق، میزان منطبق‌ساختن رفتار فرد با انتظارات اطرافیان و جامعه است (شعاری‌نژاد، ۱۳۷۵: ۳۰). برقراری روابط متقابل آرامش‌بخش و استمرار روحیه توافقی و انطباق، بدون تجهیز به روش‌ها و مهارت‌های مناسب، انتظاری دست‌نیافتنی است. این روش‌ها مجموعه‌راه‌هایی است که با توجه به موقعیت‌ها و مبتنی بر اصول ویژه در نظر گرفته می‌شوند. از این رو، شناخت سازگاری به‌عنوان اصل زیربنایی حوزه رفتاری همسران و راه‌کارهای پیدایش و بقای آن، از جمله موضوعات مهم خانواده است.

از نظر اسلام شناخت‌ها و باورهای فرد، نقش بسیار مهمی در تشکیل و استمرار و پویایی نهاد خانواده ایفا می‌کنند و در واکنش‌ها و رفتارهای او تأثیر بدیهی دارند. از این رو، آموزه‌های اسلام ناظر بر ابعاد روان‌شناختی همسران و دربردارندهٔ نکته‌های مهمی برای تنظیم روابط آنان در حوزهٔ رفتاری و در ناملایمات عصر حاضر است. راه‌کارهای مهم و محوری که آیات قرآن و دیگر متون دینی اسلام در حوزهٔ رفتار بر آن تأکید می‌کنند، هریک روش‌هایی در جهت برقراری ارتباطی رضایت‌بخش با مقتضیات پیرامونی و همسازی با تجربه‌های جدید است که تلاش می‌شود به آن‌ها پرداخته شود.

سازگاری زناشویی

همراه با مفهوم سازگاری، سازگاری زناشویی به‌طور خاص و به‌عنوان یکی از اقسام سازگاری در روان‌شناسی مطرح می‌شود. سازگاری زناشویی زیربنای عملکرد خوب خانواده و عامل آسان‌شدن نقش والدینی و رشد اقتصادی و رضایت بیشتر از زندگی می‌شود. از سوی دیگر، وجود ناسازگاری زناشویی در روابط زن و شوهر، علاوه بر ایجاد مشکل در روابط بیان‌شده، باعث اشکال در روابط اجتماعی، گرایش به انحرافات اجتماعی و اخلاقی و افول ارزش‌های فرهنگی میان زوج‌ها می‌شود. سازگاری زناشویی وضعیتی است که در آن، زن و شوهر در بیشتر مواقع احساس خوشبختی و رضایت از همدیگر می‌کنند (گاتمن، ۱۹۹۳؛ ۵۷؛ دوران، ۱۹۹۷؛ مقدمه). اسپانیر (۱۹۷۶) سازگاری زناشویی را فرایندی تعریف می‌کند که پیامدهای آن با میزان اختلافات مشکل‌آفرین زوج‌ها، تنش‌های بین‌فردی، اضطراب فردی، رضایت زوج‌ها از یکدیگر، انسجام و به‌هم‌پیوستگی آن‌ها و همفکری دربارهٔ موضوعات مهم

زناشویی مشخص می‌شود. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که سازگاری زناشویی به سازگاری کلی فرد کمک می‌کند و همسرانی که با یکدیگر بسیار سازگارند، عزت نفس بیشتری دارند و در روابط اجتماعی سازگارترند (کانگ، ۲۰۰۰: ۱۵۲). گریف (۲۰۰۰) معتقد است که زوج‌های سازگار، زن و شوهرهایی هستند که توافق زیادی با یکدیگر دارند و از نوع و سطح روابط خود راضی هستند (گریف، ۲۰۰۰: ۹۴۸).

مبنای قرآن

سازگاری در دیدگاه اسلامی برقراری ارتباطی براساس صلح و همراهی است. در این دیدگاه «حسن معاشرت» یا «معاشرت به معروف»، مبنای رفتار همسران برای به حداقل رسانیدن زمینه‌های بروز تنش و نزاع میانشان است که مؤلفه‌ای محوری و اصلی در حوزه رفتاری همسران قلمداد می‌شود. بنابراین، در پژوهش حاضر این اصل را که دین کامل اسلام، پیش‌تر از علوم امروزی به بشر معرفی کرده است، بررسی و تحلیل می‌کنیم. با دقت و تأمل در آیات قرآن چنین به نظر می‌رسد که از منظر قرآن کریم، اساسی‌ترین اصل در رفتار بین همسران، معاشرت به معروف است که به طور صریح در آیه ۱۹ سوره نساء به آن اشاره شده است:

«ای مؤمنان، برای شما حلال نیست که از زنان از روی اکراه [و با ایجاد ناراحتی برای آن‌ها] ارث ببرید و آنان را تحت فشار قرار ندهید که قسمتی از مهرشان را که به آن‌ها داده‌اید، تملک کنید. مگر اینکه آن‌ها عمل زشت آشکاری انجام دهند و با آنان به طور شایسته رفتار کنید و اگر [به‌دلیلی] نسبت به آن‌ها بی‌میل بودید، [سریع تصمیم به جدایی نگیرید،] چه بسا چیزی خوشایند شما نباشد و خداوند خیر فراوانی در آن قرار می‌دهد.»

به عبارت دیگر، شاید بتوان گفت که معاشرت به معروف یا حسن معاشرت، اصلی رفتاری اخلاقی است که قرآن آن را به هریک از همسران آموزش می دهد تا هریک از آنان، حتی با وجود اکراه قلبی و شاید، فارغ از عشق و محبت واقعی، آن را به یکدیگر عرضه کنند؛ چراکه در قسمتی از آیه آمده است: «و اگر [به دلیلی] نسبت به آن‌ها بی میل بودید، [سریع تصمیم به جدایی نگیرید،] چه بسا چیزی خوشایند شما نباشد و خداوند خیر فراوانی در آن قرار می دهد.»

معروف به چه معناست؟

«واژه معروف اسم مفعول از فعل ثلاثی مجرد «عرف، یعرف» است که از «عرف» مشتق شده است» (ابن منظور، ج ۱۰، ۱۴۰۵: ۱۱۲). در قاموس آمده است: «معروف ضد منکر است و عرف ضد نکر است» (فیروزآبادی، ج ۳، بی تا: ۱۷۹). لغت‌شناسان دیگری معنای معروف را کامل‌تر بیان کرده‌اند: «آنچه در میان مردم در عادات و معاملاتشان معمول و متعارف است، معروف نام دارد» (جر، ۱۹۷۳: ۸۲۴). همچنین، برخی آن را مترادف با نیکی و مدارا و احسان دانسته‌اند (مقری فیومی، ج ۲، بی تا: ۴۰۴). این واژه در *التعريفات* نیز این گونه تعریف شده است: «عرف امری است که روح با آن به واسطه تأیید و پذیرش عقل و طبع، به آرامش می‌رسد» (جرجانی، ۱۳۷۰: ۶۴/۳). مشابه این تعریف را که به نظر می‌رسد، کامل‌تر از دیگر تعریف‌هاست، راغب بیان می‌کند: «معروف هر فعلی است که توسط عقل و شرع پسندیده باشد» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶: ۵۶۱).

بنابراین، معروف در لغت به عملی گفته می‌شود که از آن، آگاهی به دست آید و با پی بردن به آثار و ویژگی‌هایش از غیر خود تشخیص داده شود و نفس

آدمی نزد آن آرامش یابد. همچنین، به این دلیل به کار پسندیده، معروف (شناخته‌شده) گفته می‌شود که جان آدمی با آن آشناست و با انجام آن به آرامش می‌رسد (مصطفوی، ج ۸، ۱۳۶۰: ۱۳). در جمع‌بندی نهایی می‌توان گفت که مصداق‌هایی مشمول عرف می‌شوند که: اولاً جست‌وجو برای شناسایی آن‌ها ضرورت ندارد؛ بلکه خود، آشکار هستند؛ ثانیاً فرد خاصی برای ایجاد آن تلاش نکرده؛ بلکه جامعه در سیر تحول تاریخی‌اش آن را به‌دست آورده است و براساس ملاک‌های عقل و شرع فهم آن برای همگان ممکن است.

مفسران و اندیشمندان مسلمان نیز دیدگاه‌های گوناگونی در این خصوص دارند که به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم. به‌عنوان مثال، شیخ طوسی بر این نظر است: «واژه معروف در آیات امر به معروف، مانند آیه ۷۱ سوره توبه به آنچه خداوند به حکم عقل یا شرع واجب کرده یا به آن تشویق نموده، اطلاق شده است» (طوسی، ج ۵، بی‌تا: ۲۵۷). شیخ طبرسی نیز می‌گوید: «عرف ضد نکر است. عرف مثل معروف و عارف است و آن هر خصلت ستوده‌شده‌ای است که عقل، درستی آن را تأیید می‌کند و نفس به آن اطمینان می‌یابد» (طبرسی، ج ۴، ۱۴۱۵: ۵۱۲). از نظر غزالی نیز عرف و عادت از عقول مردم سرچشمه می‌گیرد و سرشت‌های سالم پذیرای آن هستند (مبارک، بی‌تا، ۲۸۰). برخی نیز معتقدند: «چیزی را که عقل به رسمیت بشناسد و پیش‌و‌حی و صاحب شریعت به رسمیت شناخته شود، معروف است» (جوادی‌آملی، ۱۳۸۷: ۳۹۴). همچنین، غیوری معروف را این‌گونه تعریف کرده است: «آنچه عقل نظری و سنت‌های شایسته اجتماع بیسند و بشناسد» (غیوری، ج ۳، ۱۳۸۲: ۵۶). معروف به کاری می‌گویند که در جامعه مجهول نباشد و مردم در مجتمع خود، آن را بشناسند و آن را انکار نکنند (طباطبایی، ج ۴، ۱۳۶۳: ۴۰۴). سبزواری نیز معتقد است که

دایره معنایی معروف، ثابت و محدود نیست؛ بلکه در زمان‌ها و جامعه‌های گوناگون با حفظ معیارهای عقلی و شرعی و اخلاقی، همراه با تحول زمان و پیشرفت خردمندان باایمان متغیر است (موسوی سبزواری، ج ۴، ۱۴۰۹: ۱۰).

از تعریف‌های بیان‌شده چنین نتیجه می‌گیریم که هر چند مفهوم عرف از دید اندیشمندان تعبیرهای گوناگونی دارد، توجه به عرف جامعه در تعریف این واژه نقطه اشتراک همه تعبیرهاست. به عبارت دیگر، عرف جنبه اجتماعی دارد و توسط توده مردم شکل می‌گیرد و صدا البته، عرف مقبول جامعه باید از سرشت سالم افراد آن جامعه، نشأت گیرد که این ویژگی ستوده نزد مردم نیز از حکم عقل بیگانه نیست. آنچه شایان ذکر است این است که عقل انسان در هر عصری نسبت به گذشته، در حال پیشرفت است و فهم آن از اصول شریعت، در حال رشد است. این نوع پیشرفت، همواره تشخیص معروف را در اجتماع انسان‌ها تغییر پذیر و با پدیده‌های جدید سازگار می‌سازد. البته، شکی نیست که چنین تغییری در صورتی نزد شریعت اسلامی جایگاهی محترم و پذیرفتنی دارد که براساس قاعده‌ها و معیارهای دینی باشد (قربان‌نیا، ۱۳۸۸: ۱۰۲). بنابراین، در تشخیص مصداق‌های معروف، علاوه بر توجه به گرایش‌های انسانی، باید به جلب رضایت خداوند نیز توجه کرد.

اگر موضوع معاشرت با پسوند خانواده مدنظر و گفت‌وگو باشد؛ مثل آیه ۱۹ سوره نساء، به ای معنی است که معاشرت به معروف، فقط ملاکی رفتاری برای مردان نیست و مقصود از ﴿وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ﴾ تعیین ملاکی رفتاری هریک از زن و مرد با همسر خویش است. پس مردان و زنان در رفتار متقابل خانودگی و زناشویی از این زاویه که هر دو باید براساس معروف رفتار کنند، برابرند. در تفسیر المنار نیز آمده است: «در مفهوم معاشرت، مشارکت و برابری

نهفته است؛ یعنی ای مردان، با زنان براساس متعارف رفتار کنید و زنان نیز می‌باید با مردان بر پایه‌ی معروف معاشرت داشته باشند» (رشیدرضا، ج ۴، ۱۹۹۵: ۴۵۶). آیت‌الله جوادی آملی حتی محدوده‌ی مخاطبان را فراتر از زندگی خانوادگی قرار داده و می‌فرماید:

در جمله ﴿وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ﴾ به مردان خطاب می‌شود و به شوهران اختصاص ندارد. این جمله افزون بر آنکه شامل شوهر در مقابل زن و مرد در مقابل زن می‌شود، ممکن است شامل چگونگی رابطه‌ی برادر با خواهر یا همکار مرد با همکار زن هم بشود (جوادی آملی، ج ۱۸، ۱۳۸۷: ۱۴۳). در قرآن کریم آیات دیگری وجود دارد که بر پایه‌ی آن‌ها دوطرفه‌بودن معاشرت به معروف همسران را می‌توان استنباط کرد. از جمله آیاتی که در این خصوص است، آیه‌ای است که زنان را در موقع نشوز مردان به صلح و سازش دعوت کرده و از سویی دیگر، مردان ناشز را به احسان و تقوای الهی فراخوانده است (نساء، ۱۲۸) یا آیه ۲۲۸ بقره که به گونه‌ای صریح، وظایف و حقوق و آداب معاشرت متقابل مرد و زن در درون خانواده را برابر و همانند می‌شمارد و معیار آن را معروف معرفی می‌کند ﴿وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ﴾. بی‌گمان، این نمونه‌های قرآنی، مبنی بر دوطرفه‌بودن این اصل اخلاقی است.

در نصوص روایی و سنت نیز به دوطرفه‌بودن اصل مهم معاشرت به معروف اشاره شده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در خطبه‌ی حجة الوداع فرمودند:

شما را بر زنان حقی است؛ همان‌گونه که ایشان را بر شما حقی است. از حقوق شما بر زنان است که نگذارند بر فراش شما کسی پا گذارد و زنان در آنچه معروف است از شما اطاعت کنند. هرگاه این حقوق از ناحیه‌ی زنان انجام شود،

بر شماست که خوراک و پوشاک ایشان را طبق متعارف تأمین کنید...

(زحیلی، ج ۴، ۱۴۱۱: ۳۰۳).

امام صادق علیه السلام نیز می‌فرمایند: «انسان در خلال نیازهای منزل و عیالش به سه چیز نیازمند است، حتی اگر آن چیزها با طبع او سازگار نباشد... که یکی از آن‌ها معاشرت نیکو می‌باشد» (مجلسی، ج ۷۸، ۱۴۰۳: ۲۳۶). علاوه بر این، با مطالعه زندگی ائمه معصوم علیهم السلام به خوبی آشکار می‌شود که رفتار و معاشرت این عزیزان با همسران خویش، در نهایت خوبی و نیکی بوده است که ستایش این بزرگواران از سوی همسران خود، دلیلی بر این مدعاست. رسول گرامی اسلام همان‌گونه که مردم را به خوش رفتاری با زنان سفارش می‌کردند، خود الگویی در این زمینه بودند. ایشان می‌فرمایند: «بهترین شما کسی است که با همسرش از همه خوش رفتارتر باشد و من از همه شما به همسر خود، مهربان و خوش رفتارتر هستم» (طبرسی، ۱۴۱۴: ۲۱۸).

رفتارهای اخلاقی و معاشرت معروف همسران

غزالی در ضمن مباحث اخلاقی به آداب زندگی خانوادگی پرداخته است و مصداق‌های معاشرت نیکو را این چنین بر شمرده است: برگزاری میهمانی در مراسم ازدواج، اخلاق نیکو و مزاح با همسر، داشتن غیرت و اعتدال در آن، گشاده‌دستی در مخارج زندگی، غذا خوردن با خانواده، تلافی و مهربانی با همسر در زمان‌های اختلاف و لحاظ کردن لذت متقابل در روابط جنسی (غزالی، ج ۱، ۱۳۸۶: ۳۰۱). در واقع، این آداب وظایف مرد نسبت به زن است. سپس وی به وظایف زن در برابر مرد پرداخته است و می‌گوید:

زن وظایف مهم‌تری برعهده دارد؛ از جمله همیشه خویش را پاکیزه نگه دارد؛ به‌طوری‌که زمینه مناسبی برای معاشرت فراهم باشد، بر شوهر خویش به جمال خود فخر نکند، بر شادی او حریص باشد، بدون دلیل دچار خشم و عیب‌جویی نشود، در اموال شوهر و زندگی قناعت را رعایت کند و اختلاف‌های بین خود و شوهر را برای دیگران بازگو نکند (همان، ۳۰۲).

می‌توان گفت که تمام رفتارهای اخلاقی و مقبول از سوی خرد جمعی جامعه، از مصداق‌های اصل اخلاقی و محوری معاشرت به‌معروف یا حسن معاشرت هستند که هریک از همسران وظیفه دارند، در رفتار با همسر خود از آن به‌عنوان مؤلفه‌ای تعیین‌کننده، در پستی و بلندی و نیز در خوشی و ناخوشی زندگی مشترک بهره‌جویند. حسن معاشرت به‌عنوان مؤلفه و اصلی بنیادین در حوزه رفتاری همسران، مصداق‌های گوناگونی دارد. هرچند دامنه رفتارهای دربرگیرنده اخلاق، در مقاطع گوناگون زندگی زناشویی بسیار وسیع است، در این بخش تلاش می‌شود، رفتارهایی بررسی شوند که اهمیت و کاربردشان میان همسران بیشتر است:

۱. تکریم

تکریم در لغت به معنای گرامی‌داشتن، احترام‌کردن و نیکویی‌رساندن به دیگری است، بدون اینکه او را خوار کند یا بر او منت گذارد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶: ۷۰۷) و در اصطلاح، برخوردها و رفتارها و رابطه‌های مبتنی بر ارج‌نهادن انسان‌ها بر یکدیگر را تکریم گویند. در واقع، تکریم گرامی‌داشتن چیزهایی است که خاص انسان است و در غیر انسان یافت نمی‌شود؛ مثل عقل (الطباطبایی، ج ۱۳، ۱۴۱۲: ۱۵۲ و ۱۵۴). در زندگی مشترک وجود تکریم و احترام متقابل، اصلی اساسی است. حرمت‌گذاردن به هم، حُسن است و

هر زن و مردی باید ویژگی‌های مثبت زندگی همسر خود را بیابد و او را به‌خاطر داشتن آن خوبی‌ها تکریم کند. اسلام دو جنس زن و مرد را در گوهر انسانی و شرافت، یکی می‌داند و از این نظر، تفاوتی بین ایشان قائل نیست. قرآن کریم تمام انسان‌ها را بدون در نظر گرفتن جنس و نژاد و... دارای کرامت می‌داند که آیه ﴿وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ﴾ (اسراء، ۷۰) به این اصل مهم و اساسی اشاره می‌کند.

هر انسانی به خویش علاقه‌مند است و از خدشه‌دار شدن شخصیتش می‌رنجد. بی‌توجهی به این اصل مهم، باعث بریده‌شدن رشتهٔ محبت و ایجاد فاصله میان افراد می‌شود. حفظ حرمت و شخصیت دیگران در گرو احترامی است که در برخوردها نمایان می‌شود. رعایت این اصل، به‌ویژه از سوی کسانی که باهم انس دارند، باعث استحکام دوستی و گرمی روابط آنان خواهد شد. یکی از فنونی که امروزه روان‌شناسان برای تدبیر و افزایش کارآمدی خانواده و ایجاد سازگاری و کاهش تنش بین همسران به‌کار می‌برند و در راستای تکریم همسران نسبت به یکدیگر نیز کاربرد دارد، الگوهای مرادده‌ای است. این فن در صدد است که الگوهای مرادده‌ای خانواده را تغییر دهد تا ساخت خانوادگی ناکارآمد تغییر کند.

قاعده‌های ناآشکاری بر الگوهای معاشرتی خانواده حاکم است که باید آشکار شوند. با تغییر ساخت حاکم بر خانواده می‌توان آن الگوهای معاشرتی را تغییر داد و اصلاح کرد (دیویس کنث، ۱۳۸۲: ۲۱۶). میان بسیاری از خانواده‌ها قاعده‌های نانوشته‌ای وجود دارد که خانواده از آن‌ها آگاه نیست؛ برای مثال، گاهی بی‌توجهی زن به ورود همسر به خانه و مشغول‌بودن به کارهای خانه در این زمان، به‌صورت قاعده و عادت درآمده که فرد از آن

بی‌خبر است. مدیریت افراد خانواده از طریق تغییر دادن الگوی معاشرت، درجهت تکریم اعضای خانواده، به‌ویژه همسر، از به‌وجود آمدن بعضی بی‌اعتنایی‌ها یا تنش‌ها جلوگیری می‌کند. همچنین، این تغییر الگو زمینه‌ای را فراهم می‌سازد که به‌عنوان مثال، زن هنگام ورود همسر به خانه به استقبالش رود.

خواجه‌نصیر در باب «تکریم همسر» به تأثیر روان‌شناختی آن اشاره می‌کند و بر این نظر است که تکریم و احترام همسر سبب می‌شود که او به کارهای منزل اهتمام ورزیده، همسر خود را همراهی کند تا نظام مطلوب حاصل شود. سپس وی انواع کرامت را دربارهٔ هریک از زن و مرد بیان می‌کند. از نظر خواجه‌نصیر رفتارهای کریمانه از سوی مرد عبارت‌اند از: «بیان زیبایی‌های همسر، تعریف از حجاب همسر و تشویق او بر رعایت آن، مشورت با همسر، بازگذاشتن دست همسر در تدبیر امور منزل، صلۀ رحم و رفت‌وآمد با خویشاوندان همسر و خوش‌رفتاری با آنان و ترجیح‌ندادن زن دیگر بر همسر» (نصیرالدین طوسی، ۱۳۸۹: ۲۲۱). او سپس راه‌های تکریم مرد از سوی زن را برمی‌شمرد که عبارت‌اند از: «ملازمت با شوهر، اظهار کفایت او، هیبت‌داشتن از ایشان، حسن تبعل^۱ و احتراز از نشوز^۲ و قلت عتاب و مجاملت^۳ در غیرت» (همان: ۲۲۳).

تکریم نیاز طبیعی هر انسانی است. اگر نیاز طبیعی هر فرد به تکریم شخصیت، در خانواده تأمین شود، او احساس آرامش و اعتماد به نفس می‌کند و با دلگرمی و امید، برای موفقیت و کسب رضایت دیگر اعضای

۱. خدمت کردن به شوهر، فرمان‌برداری از او و خود را برای وی آراستن.

۲. ناسازگاری و نافرمانی با شوهر.

۳. چرب‌زبانی.

خانواده قدم برمی‌دارد. در این میان، اکرام و احترام به زن جایگاه خاص و ممتازی دارد. در آموزه‌های حیات‌بخش اسلام دربارهٔ تکریم همسر توصیه‌های ارزشمندی به مردان و زنان شده است. امام صادق علیه السلام در این باره می‌فرماید: «از رحمت و مغفرت پروردگار دور است زنی که شوهر خود را آزار و اذیت کند و سعادتمند زنی است که شوهر خویش را اکرام و احترام کرده، اذیتش نکند و از او در همهٔ حالات، اطاعت و فرمان‌برداری نماید» (المجلسی، ج ۱، ۱۴۰۳: ۳۵۲).

زن و شوهر به دلیل ارتباط بسیار نزدیکی که باهم دارند، بیش از همه موظف به رعایت احترام متقابل و نگرانی از منزلت یکدیگر هستند. احترام و تکریم یکدیگر، از آموزه‌های اخلاقی دوجانبه در روابط همسران است؛ یعنی همان‌گونه که زن وظیفه دارد به شوهر خود احترام بگذارد و منزلت او را در مقام همسر و مدیر خانواده و پدر فرزندان رعایت کند، مرد نیز در مقابل، باید زن را تکریم کند و منزلت همسری و مادری او را حفظ کند. رفتارهای مرتبط با تکریم در آموزه‌های قرآنی و دینی شامل مصداق‌های فراوانی است؛ همچون سلام کردن، استقبال و بدرقه کردن همسر، مشورت کردن با همسر، خدمت کردن به همسر، ابراز خرسندی کردن، رازداری و عیب‌پوشی، هدیه دادن به همسر، همراهی کردن با او در روابط جنسی، آراستگی برای همسر، قناعت و کم کردن هزینه‌های زندگی، صداقت و صراحت در رفتار و ایجاد اوقات فراغت مناسب و شاد.

۲. تغافل

تغافل از جمله عوامل تأثیرگذار بر ایجاد و م‌اندگاری معاشرت نیکو و سازگاری میان همسران است. تغافل در لغت به معنای خود را به غفلت زدن و

بی‌خبر نشان دادن خود است (فراهیدی، ج ۴، ۱۴۱۴: ۴۲۰) و در اصطلاح، معادل چشم‌پوشی آگاهانه از رفتارهای نامطلوبی است که اطرافیان انجام می‌دهند. در واقع، غرض اصلی در چنین رویکردی به اعمال دیگران، اصلاح کردارها و ایجاد آثار نیکوی تربیتی است که از این طریق حاصل می‌شود. تعبیرهایی همچون چشم‌پوشی، گذشت، مدارا، به‌رونیابردن و نادیده‌گرفتن، در زبان فارسی تداعی‌گر این مفهوم هستند.

در روایات و سیره معصومان علیهم‌السلام استفاده از مهارت تغافل، مؤلفه‌ای مهم در کاهش تنش‌هاست. امام علی علیه‌السلام می‌فرماید: «نیمی از وجود شخص خردمند، تحمل‌کردن و نیمه دیگر او چشم‌پوشی نمودن است» (الآمدی، ۱۳۸۱: ۳۱). همچنین ایشان در کلامی دیگر می‌فرماید: «کسی که تغافل نکند و چشم خود را از بسیاری از امور نبندد، زندگانی تلخی خواهد داشت» (همان: ۴۵۱). می‌توان گفت که تغافل در نظام ارزش‌گذاری اسلامی، مهارتی است که زمینه خوش‌خلقی را میان همسران ایجاد می‌کند و با شیوه صحیح و حفظ مرزهای مشخص آن، استواری و ماندگاری خانواده را سبب می‌شود. در روان‌شناسی نیز، روش «بازداری» که از جمله مکانیسم‌های دفاعی در فرایند سازگاری است، انطباق زیادی با آموزه اخلاقی «تغافل» دارد. روان‌شناسان در تعریف بازداری نوشته‌اند: «بازداری عبارت است از اجازه اندیشه‌ها یا تکانه‌های غیرقابل قبول به پیش خودآگاه» (اسلامی‌نسب، ۱۳۷۳: ۹۶). براین اساس بازداری، نوعی حذف ارادی یا فراموشی خودآگاه است که بررسی‌های روان‌شناختی، این روش را به این دلیل که توسط افراد بهنجار به‌کار می‌رود، روشی دفاعی و حاکی از پختگی و اعمال چنین کنترل آگاهانه‌ای را مستلزم وجود «منی» قوی می‌دانند (همان، ۹۷).

۲.۱. رفتارهای مرتبط با تغافل در آموزه‌های دینی

مفاهیمی چون مدارا، صفح، عفو، حلم و صبر در فرهنگ دینی بر این معنا دلالت می‌کنند که در اسلام بر لزوم به‌کارگیری این مهارت در ارتباط‌های رفتاری، از جمله رفتار با همسر سفارش شده است.

۲.۱.۱. رفق و مدارا

رفق به معنای لطافت و نرم‌خویی (فراهیدی، ج ۵، ۱۴۱۴: ۱۷۱) و دقت در انجام کارها، درعین آسان‌گیری است (طریحی، ج ۱۰، ۱۳۹۵: ۱۱۸). مدارا نیز، به معنای معاشرت نیکو با مردم و احتیاط‌کردن است (ابن‌منظور، ج ۱۴، ۱۴۰۵: ۲۵۵). دقت در معانی بیان‌شده نشان می‌دهد که رفق و مدارا به معنای ظلم‌پذیری نیست؛ بلکه به معنای برخورداری از درک متقابل، تطبیق خود با موقعیت‌ها و روحیهٔ مخاطب، پیش‌گیری از برخوردهای تدافعی و ایجاد پیوند بیشتر با دیگران است. مدارای زن و مرد در زندگی نیز، رفق و هماهنگی آنان در همهٔ کارهای مربوط به آن‌دو و پرهیز از سرسختی‌های بیجا است. اهمیت حفظ نظام خانواده از یک سو و وجود حق طلاق برای مردان از سوی دیگر، باعث شده است که در روایات، بیشتر به مردان سفارش شود که در زندگی مدارا داشته باشند. حضرت امیرمؤمنان علیه السلام در این باره می‌فرمایند: «در تمام حالات با همسرت مدارا کن و با او به نیکی معاشرت نما تا زندگی‌ات با صفا شود» (ابن‌بابویه قمی (شیخ‌صدوق)، ج ۳، بی‌تا: ۵۵۶) و نیز می‌فرمایند: «سلامت زندگی در مدارا کردن است» (اللیثی الواسطی، ۱۳۷۶: ۲۸۵). این اصل ارزشمند اخلاقی در روایات به زنان نیز توصیه شده است. در روایتی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خیر و برکت زندگی خانوادگی را در گرو رفق و ملائمت دانسته‌اند:

«ای عایشه، با ملایمت رفتار کن. به درستی که خداوند، هرگاه برای خانواده‌ای خیری بخواهد، آنان را به رفق رهنمون می‌سازد» (المتقی الهندی، ج ۳، ۱۳۹۷: ۴۸). بنابراین، هر یک از همسران باید بپذیرند که زندگی مشترک، معمولاً بی‌عارضه نیست و کسی که خود را بی‌نقص می‌داند، از همه ناقص‌تر است. البته هر کس باید تلاش کند که از عیب‌های خود بکاهد و این لازمهٔ رشد انسان و دستیابی او به زندگی سالم و پاکیزه است که قرآن کریم از آن به «حیات طیبه» یاد کرده است.

اما آنچه ضرورت دارد، این است که همسران در تعامل با یکدیگر، تحمل و چشم‌پوشی و مدارا را بیاموزند. لطافت روابط خانوادگی تابع نرمش زن و مرد است؛ چراکه در زندگی خانوادگی، هیچ عاملی مانند ملایمت، موجب تصحیح روابط و حفظ سلامت و مایهٔ پیشرفت نیست و آموزه‌های رسول خدا در این باره نشان‌دهندهٔ جایگاه بی‌بدیل این اصل است: «چون رفق و ملایمت بر زندگی حاکم شود، جلوه‌های زیبای آن چهره‌گشاید و زندگی را معنای واقعی بخشد. زینت‌دهندهٔ زندگی و مایهٔ فزونی خیر و منفعت و نیز مسبب کرامت و بزرگواری بودن، از جمله آثاری است که بر مدارا و سازگاری مترتب شده است» (الحر العاملی، ج ۱، بی‌تا: ۱۳).

در زندگی مشترک، به دلیل برخی مسائل، ممکن است از میزان مهر و محبت زن و شوهر نسبت به هم کاسته شود. همچنین، ممکن است، وجود برخی ویژگی‌های اخلاقی در زن و یا مرد، کدورت و دلسردی میان ایشان ایجاد کند و یا ممکن است دو همسر، بعد از ازدواج متوجه شوند که برای هم مناسب نیستند و اکراه و دلزدگی بین آنها به وجود آید. آموزه‌های قرآنی و اخلاقی و تعهد به پیمان مقدس ازدواج حکم می‌کند که همسران مهربانانه از روی مدارا

با یکدیگر رفتار کنند. این دستور اخلاقی در زندگی اجتماعی به طور عام و در نهاد خانواده به طور خاص، جایگاه و اهمیت ویژه‌ای دارد. همان‌طور که پیش‌ازین نیز اشاره شد، قرآن در آیه ۱۹ سوره نساء، پس از آنکه همسران را به حسن معاشرت با یکدیگر فرامی‌خواند، در ادامه می‌فرماید: «... و اگر [به‌دلیلی] به آن‌ها بی‌میل بودید، [سریع تصمیم به جدایی نگیرید.] چه بسا چیزی خوشایند شما نباشد و خداوند خیر فراوانی در آن قرار می‌دهد.» بنابراین، می‌توان گفت که مهربانی و محبت ظاهری به همسر که یکی از جلوه‌های رفیق و ملایمت در روابط آنان است، هرچند از عمق وجود نباشد، براساس اصول اخلاقی جزء لازم و ضروری زندگی همسران است.

۱.۲.۲. صفح و عفو

تفاوت عفو و صفح این است که در صفح علاوه بر مفهوم گذشت، رویاوردن و روی‌گرداندن و گناه طرف را نادیده‌گرفتن نیز در نظر گرفته شده است. ممکن است کسی را پس از محکوم‌کردن به مجازات عفو کنند؛ اما صفح آن است که روی بگردانی و گناه طرف را نادیده‌بگیری و اگر مجرم در مقام عذرخواهی برآمد، طوری با او برخورد کنی که گویی اصلاً گناهی از او سر نزنده است (راغب اصفهانی، ج ۱، ۱۴۱۶: ۴۴۶). خداوند متعال می‌فرماید: «ای مؤمنان، درحقیقت، برخی از همسران شما و فرزندان‌تان دشمن شمایند، از آنان برحذر باشید و اگر ببخشایید و درگذرید و بیامرزید، به‌راستی، خدا آمرزنده و مهربان است» (تغابن، ۱۴). در آیات دیگر، صفح و عفو، وسیله جلب مغفرت الهی (نور، ۲۲)، فضل بی‌پایان او (شوری، ۴۰) و از برجسته‌ترین ویژگی‌های پارسایان (آل‌عمران، ۳) دانسته شده است. در زمان طلاق نیز، هرچند فضای

کشمکش و نزاع بر همسران غلبه یافته است، در بحث مهریه به عفو و احسان توصیه شده است:

و اگر آنان را پیش از آنکه با آنها تماس بگیرید و [آمیزش جنسی کنید]، طلاق دهید؛ درحالی که مهری برای آنها تعیین کرده‌اید، باید نصف آنچه تعیین کرده‌اید [به آنها بدهید]، مگر اینکه آنها [حق خود را] ببخشند یا [در صورتی که صغیر و سفیه باشند؛ سرپرست آنها، یعنی] آن کس که گره ازدواج به دست اوست، آن را ببخشد. و گذشت کردن شما [و بخشیدن تمام مهر به آنها] به پرهیزکاری نزدیک تر است و گذشت و نیکوکاری را در میان خود فراموش نکنید که خداوند به آنچه انجام می‌دهید، بیناست» (بقره، ۲۳۷).

تأمل در دیگر آیات قرآن، تأییدکننده این مطلب است که عفو و صفح، کاملاً از سهل‌انگاری و بی‌اعتنایی در حوزه اصول و ارزش‌ها متمایز است (قلم، ۸ تا ۹؛ فتح، ۴۸).

۱.۲.۳. صبر و شکیبایی

زندگی انسان با صبر معنادار می‌شود؛ چراکه بی‌تردید، زندگی آدمی آمیخته با فراز و نشیب، تلخ و شیرین و پیروزی و شکست است و اگر او تسلیم نیمه تاریک و تلخ حوادث شود، هرگز سرافراز و سعادت‌مند نخواهد شد. دوام کانون خانواده از اهمیت بسیاری برخوردار است و جز با صبور بودن زن و شوهر، البته هریک به نوبه خود استمرار نخواهد یافت. جایگاه صبر در زندگی مشترک به گونه‌ای است که هرگاه هریک از همسران خلق و خوی ناشایست و یا عقیده منحرف داشته و تمامی راه‌کارها به بن‌بست رسیده باشد، آموزه‌های دینی یگانه‌چاره برای طرف مقابل را شکیبایی می‌داند و در مقابل، برای آن اجر عظیم اخروی در نظر می‌گیرد. در این باره می‌توان به سرگذشت آسیه، همسر

فرعون اشاره کرد. او ادعا و دعوت فرعون مبنی بر خدا بودن و پرستیده شدن را نپذیرفت و در برابر این خواسته همسرش مقاومت کرد. آسیه نخست، با نصیحت و اندرز فرعون را آگاه ساخت؛ اما وقتی اختلاف آن‌ها شدت یافت، فرعون او را به مرگ تهدید کرد. آسیه در برابر فرعون و اعمال او صبر کرد و تزلزلی در خود، راه نداد. پیامبر اسلام ﷺ آسیه را برای زنان الگوی صبر معرفی کرد و فرمود:

«هرگاه زنی در مقابل اخلاق و رفتار ناپسند شوهرش بسیار صبور باشد؛ به گونه‌ای که اگر نتوانست بر او اثر بگذارد، دست‌کم تابع اعمال ناشایست و کج‌روی‌های او نباشد. خداوند پاداشی همانند پاداش آسیه به او خواهد داد» (المجلسی، ج ۱۰۳: ۲۴۷).

همچنین به مردان می‌فرماید:

«هر مردی به خاطر خدا در برابر بداخلاقی زنش صبر کند، خداوند متعال برای هر روز و شبی که در برابر همسرش شکیبایی می‌ورزد، ثوابی را به او می‌دهد که به ایوب علیه السلام در قبال گرفتاری‌اش داد و گناه زن نیز در هر شب و روز، به اندازه ریگ‌های ریگستان است» (ابن‌بابویه (شیخ صدوق)، بی تا: ۳۳۹).

غزالی نیز می‌نویسد: «بدان که خوبی خُلق آن نیست که رنج خود از وی بازداری، بل آن است که رنج وی، احتمال داری و در حال سبکساری و خشم وی، حلم ورزی» (غزالی، ۱۳۶۳: ۹۰). تأمل در رابطه میان شکیبایی و تغافل روشن می‌کند که این دو موضوع ارتباطی متقابل دارند. از یک سو، نادیده گرفتن خطاهای دیگران، مستلزم آراستگی به روحیه بردباری است و از سوی دیگر، یکی از مظاهر شکیبایی، تغافل همسران نسبت به خطاهای غیر عمدی یکدیگر است.

۳. تقابل

تقابل در اصطلاح، همان طور که برخی روان‌شناسان و جامعه‌شناسانی همچون «زیمل» بیان می‌کنند، فنی است که برای حل و رفع انواع دوگانگی‌ها به منظور رسیدن به وحدت طراحی شده است (برمکی، ۱۳۸۱: ۸۵). نزاع، کشمکش، دوگانگی، تضاد و تزاخم، تعبیرهایی هستند که برای تقابل پیشنهاد می‌شوند. اصطلاح تقابل در زندگی زناشویی زمانی به کار می‌رود که هریک از همسران از همسرش رفتاری خلاف شرع و عرف و منطق ببیند. در چنین موقعیتی متون دینی بر تقابل بر مبنای اخلاق و تعادل در جهت اصلاح رفتار همسر با شرایط و سبک خاصی تأکید می‌کنند که در ادامه خواهد آمد.

۳.۱. تقابل و غیرت‌ورزی

غیرت‌ورزی و تقابل از مفاهیم بسیار نزدیک به هم هستند که تنها تفاوت آن‌ها این است که غیرت‌ورزی بر اساس متون اخلاقی و روایی، بیشتر زمانی اتفاق می‌افتد که رفتاری خلاف شرع از همسر سر بزند؛ در حالی که همان طور که اشاره شد، تقابل کلی‌تر است و در برابر انواع دوگانگی‌ها، از جمله رفتارهای خلاف منطق و عقل نیز کاربرد دارد. کلمه‌ای که در تعریف غیرت مناسب به نظر می‌رسد، حساسیت است؛ به این معنا که غیرت نوعی حساسیت برخاسته از مسئولیت است و هرکس نسبت به چیزی مسئولیت دارد، باید نسبت به آن حساسیت نشان دهد. فیض کاشانی در *محجة البیضاء* در آداب نکاح، هنگام برشمردن خصلت‌هایی که باعث سعادت زندگی می‌شود، از لزوم غیرت مرد برای همسرش سخن می‌گوید:

چهارم اینکه شوخی و خوش‌خویی و موافقت با خواسته‌های زنش را تا آنجا گسترش ندهد که باعث فساد اخلاق همسرش شود و به‌طور کلی شکوه و

ابهتتش را در نزد او از دست بدهد؛ بلکه در این باره اعتدال را رعایت کند. و آنجا که خلاف شرعی ببیند، نباید هیبت و شدت خود را از دست بدهد و نباید راه کمک به کارهای ناپسند را به روی او بگشاید؛ بلکه هرگاه خلاف شرع و خلاف مروّتی را از او دید، اعتراض کند و خشمگین شود (الکاشانی، ج ۳، ۱۴۰۳: ۹۰).

سپس درباره اهمیت اعتدال در غیرت و رزی می نویسد:

آسمان‌ها و زمین به عدالت پابرجایند و هرچه از حد خود بگذرد، به ضد خود مبدل شود؛ بنابراین، سزاوار است که آدمی در مخالفت و موافقت با همسرش راه اعتدال درپیش گیرد. مرد با تجربه باید نخست به اخلاق زن پی ببرد، سپس به اقتضای حال وی آن گونه که مصلحت است با او رفتار کند و در غیرت نسبت به همسرش میانه‌رو باشد؛ به این ترتیب که نه از مقدمات کارهایی که عواقب بیمناکی دارند، غافل بماند و نه زیاد بدگمان و سخت‌گیر و کنج‌کاو باشد (همان، ۹۲).

غیرت مرد نسبت به همسرش در گام نخست، به معنای حمایت اوست؛ به گونه‌ای که هیچ گونه جسارت و اهانتی به همسرش را تحمل نکند. غیرت مرد نسبت به همسرش به این دلیل است که زن حریم زندگی مرد است و مرد اجازه نمی‌دهد که حریم او شکسته شود. در حدیثی از امام علی علیه السلام آمده است که فرمود: «آیا شرم نمی‌کنید و بر سر غیرت نمی‌آیید؛ در حالی که زنان شما به بازار می‌آیند و با بی‌نزاکت‌ها درمی‌آمیزند؟» (البرقی القمی، ج ۱، ۱۴۱۳: ۲۰۴). نکته‌ای که با تأمل در روایت‌ها به دست می‌آید، این است که بی‌غیرتی مرد نسبت به همسرش شامل آرایش‌کردن و عطرزدن زن در بیرون از منزل و برای نامحرمان (المجلسی، ج ۱۰۳، ۱۴۰۳: ۲۴۹) و زنا‌ی زن (همان، ج ۷۹: ۱۱۵) و شوخی او با نامحرمان (الطبرسی، ۱۴۱۸: ۴۱۷) می‌شود.

۲.۳. رفتارهای مرتبط با تقابل در آموزه‌های دینی

۲.۳.۱. نصیحت و صحبت

نخستین آموزه هنگام تقابل، بیان ناراحتی و دلیل آن به شیوه تأثیرگذار و خیرخواهانه و منطقی به همسری است که به وظایف خود بی توجه است. این آموزه در آیه ۳۴ سوره نساء با عنوان «موعظه» بیان شده است: «...و [اما] آن دسته از زنان را که از سرکشی و مخالفتشان بیم دارید، پند و اندرز دهید...». موعظه در لغت، به معنی تذکر دادن به خیر و چیزهایی که دل در برابر آن نرم می شود (الفراهیدی، ۱۴۱۴، ذیل وعظ) و نیز خیرخواهی و تذکر به عاقبت کارها (الجوهری، ۱۴۱۸) همراه با ترساندن (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶) آمده است. پیداست که موعظه در این حالت، به معنای بحث و جدل به شیوه منطقی و آرام و پرهیز از هرگونه خشونت و عصبانیت است.

در روان‌شناسی نیز، «دعوی منصفانه» که به عنوان مهارتی به خانواده‌ها می آموزد که چگونه هنگام بحث و جدل، با وضع مقررات خاص و به‌کار گرفتن آن، با همدیگر ارتباط بهتری برقرار کنند (دیویس کنت، ۱۳۸۲: ۱۹۶)، انطباق زیادی با آموزه اخلاقی موعظه در روابط همسران دارد. پژوهش‌ها نشان می دهد که جزو بحث افرادی که در روابط خود به سرعت عصبانی می شوند، در مقایسه با افرادی که آرامش خود را حفظ می کنند، ۸۱ درصد بیشتر طول می کشد (دیوید نیون، ۱۳۸۳: ۱۲۷)؛ بدین ترتیب، بیان ناخشنودی به همسر به شیوه صحیح سبب می شود که او به خود آید و با دیدن حس حمایت و خیرخواهی همسر خود، مسیرش را تغییر دهد.

در صورت کارگرنشدن موعظه و صحبت، نوبت به قهرکردن می‌رسد که رعایت مراتب در آن لازم و مهم است. نخستین مرحله در قهرکردن، بی‌توجهی به همسر و روگردانیدن از اوست که تدبیری روان‌شناختی است. این بی‌توجهی، طرف مقابل را برای جلب رضایت همسر به تکاپو وامی‌دارد؛ ولی اگر این روش نیز مؤثر نبود، نوبت به ابراز ناخشنودی در مرحله بالاتر می‌رسد. نباید فراموش کرد که اظهار ناخشنودی بیش از حد، نتایج معکوس به‌بار خواهد آورد؛ بنابراین، چون هدف از قهر، اصلاح رفتار نادرست همسر در جهت تعالی خانواده است، برای تحقق این هدف، باید هم مراتب رعایت شود و هم به حداقل ممکن اکتفا شود. قرآن با عنایت به این تدبیر در ادامه آیه ۳۴ سوره نساء می‌فرماید:

[و اگر موعظه مؤثر واقع نشد،] در بستر از آن‌ها دوری کنید و [اگر هیچ راهی جز شدت عمل برای وادارکردن آن‌ها به انجام وظایفشان نبود،] آن‌ها را تنبیه کنید و اگر از شما پیروی کردند، راهی برای تعدی بر آن‌ها نجوید. [بدانید] که خداوند، بلندمرتبه و بزرگ است [و قدرت او برترین قدرت‌هاست].]

می‌توان گفت، آنچه در این مرحله برای اصلاح رفتار دارای اهمیت است، اقتدار و هیبتی است که همسر، به‌خصوص مرد، باید داشته باشد. بنابراین، مردان به‌منظور انجام وظیفه سرپرستی و توان مضاعفشان نسبت به زن و با فرض اینکه دارای تعادل اخلاقی، عقلی، منطقی و نیز صحت جسمی و روحی هستند، باید از خود اقتدار و هیبتی بروز دهند. خواجه‌نصیرالدین طوسی در بحث «تدبیر منزل» به این موضوع اشاره کرده است و هیبت‌داشتن مرد را به‌منظور امتثال اوامر و نواهی‌اش از سوی همسر که به‌تبع، برای اصلاح رفتار صورت می‌گیرد، بزرگ‌ترین شرط سیاست اهل می‌داند (طوسی، ۱۳۸۹:

۲۲۰). غزالی و فیض کاشانی نیز در کتاب‌های خود بابتی با عنوان «در نافرمانی زن» آورده و با اتکا به آیه ۳۴ سوره نساء به مراحل تقابل اشاره کرده‌اند.

۳.۲.۳. تشکیل محکمه خانوادگی

اگر همسران به جایی رسیدند که نمی‌توانند مشکل خود را با شیوه‌های رفتاری بیان‌شده، درون خانه حل کنند، قرآن با مبنای اخلاقی حسن معاشرت، در جهت حفظ کانون خانواده و با نیت اصلاح رفتار، تشکیل محکمه خانوادگی را مطرح می‌سازد و خداوند، خود، نتیجه‌بخش بودن این روش را در رسیدن به تفاهم و سازگاری بین همسران تضمین می‌کند. خداوند می‌فرماید:

«و اگر از جدایی و شکاف میان آن دو (همسر) بیم داشته باشید، یک داور از خانواده شوهر و یک داور از خانواده زن انتخاب کنید [تا به کار آنان رسیدگی کنند]. اگر این دو داور تصمیم به اصلاح داشته باشند، خداوند به توافق آن‌ها کمک می‌کند؛ زیرا خداوند دانا و آگاه است [و از نیت‌های همه باخبر است].»

در تفسیر این آیه در المیزان آمده است:

خدای سبحان برای مواردی که احتمال برود کار زن و شوهر به دشمنی بینجامد، دستور داده، یک حکم از طرف زن و یک حکم از طرف مرد به مسئله رسیدگی کنند؛ زیرا دخالت یک حکم این خطر را دارد که او جانب یک طرف را بگیرد و حکم جائزانه کند (الطباطبایی، ج ۴، ۱۴۱۲: ۳۴۶).

بنابراین، هرگاه بین زن و شوهر اختلافی پیش آید و سازش نکنند، اگر ناسازگاری از هر دو طرف یا تنها از یک طرف باشد و فرد نتواند همسرش را به سازش بکشاند و اصلاح کند، ناگزیر باید دو نفر از طرف مرد و زن انتخاب

شوند تا بین آن‌ها داوری کنند و سازش دهند. اگر داوران قصد اصلاح داشته باشند، خداوند آنان را موفق خواهد کرد (فیض کاشانی، ج ۳، ۱۴۰۳: ۱۰۷).

نتیجه

براساس اخلاق اسلامی، زن و مردی که به اختیار خویش باهم پیمان زناشویی می‌بندند، با تشکیل خانواده در جهت رشد و تکامل یکدیگر و به‌دست آوردن سکینه و آرامش اقدام می‌کنند. آنچه در این بین ضرورت دارد، صرفاً تشکیل خانواده نیست؛ بلکه هریک از همسران در جهت رسیدن به آرمان‌های بیان‌شده و به‌منظور حفظ هدف‌های کانون مقدس خانواده، وظایف و مسئولیت‌هایی برعهده دارند که در حوزه ارتباط‌های رفتاری، از منظر قرآن کریم این وظایف، تحت حاکمیت اصل مهم حسن معاشرت یا معاشرت به‌معروف قرار می‌گیرند. می‌توان گفت که دیدگاه الهی مقتضی آن است که هریک از همسران مسلمان، پیوسته رفتارهای خود را با یکدیگر در میزان این اصل محوری بسنجند تا از پویایی اخلاقی زندگی خود مطمئن شوند. تأکید بزرگان اخلاق و تمامی صاحبان اندیشه و قلم بر این اصل و نیز بیان مصداق‌های آن که دایره وسیعی از رفتارهای اخلاقی را شامل می‌شود، محوری بودن این مبنا را در حوزه رفتاری همسران نشان می‌دهد.

این نوشتار با توجه به پژوهش‌های پیشین در زمینه اخلاق خانواده و آیین همسرمداری، رفتارهای اخلاقی همسران در قبال یکدیگر را که طیف وسیعی از رفتارها را شامل می‌شود، در سه زیرمجموعه و سه اصل مبنایی مهم دیگر معرفی می‌کند. این مبانی رفتاری اخلاقی به ترتیب اولویت عبارت‌اند از: تکریم و تغافل و تقابل. وجود این اصول رفتاری در روابط همسران تبلور حاکمیت

اخلاق در زندگی زناشویی است که در راستای اهتمام به سلامت اخلاقی خانواده و حفظ آن نظام، توسط ارزش‌ها و هنجارهای اخلاقی ترسیم می‌شود. در همین راستا، به‌عنوان توصیه‌های کاربردی و پژوهشی در پژوهش‌های فرا رو، می‌توان با بهره‌گیری از این مبانی و رفتارهای اخلاقی برخاسته از آن، مؤلفه‌های اصلی سنجش سبک زندگی مطلوب همسران بر پایه اخلاق را به‌صورت مقیاس‌های عینی درآورد و آسیب‌های اخلاقی در حوزه رفتاری را در زندگی همسران مسلمان ارزیابی کرد تا آموزش‌های لازم برای حفظ خانواده در جامعه اسلامی بر مبنای داده‌های عینی و عملیاتی، تدوین و تبیین شوند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی.
۲. آزاد برمکی، نقی، ۱۳۸۱، نظریه‌های جامعه‌شناسی، بی‌جا: سروش.
۳. آمدی، عبد الواحدین محمد، ۱۳۸۱، غرر الحکم و درر الکلم، ترجمه مصطفی درایتی، مشهد: ضریح آفتاب.
۴. ابن بابویه قمی، محمدین علی (شیخ صدوق)، بی‌تا، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، به تحقیق علی اکبر غفاری، تهران: مکتبه الصدوق.
۵. اسلامی نسب، علی، ۱۳۷۳، روان‌شناسی سازگاری، تهران: نشر بنیاد.
۶. اعوانی، غلامرضا و احمد پاکتچی، بی‌تا، اخلاق؛ دایرة المعارف بزرگ اسلامی، بی‌جا: مرکز پژوهش‌های بزرگ ایرانی و اسلامی.
۷. امامی، سیدحسن، ۱۳۷۲، حقوق مدنی خانواده، تهران: کتابفروشی اسلامیه.
۸. ابن منظور، محمد، ۱۴۰۵، لسان العرب، قم: نشر ادب الحوزه.
۹. البرقی القمی، احمدبن محمد، ۱۴۱۳، المحاسن، به تحقیق السیدمهدی الرجایی، قم: المجمع العالمی لاهل‌البيت.
۱۰. الجزّ، خلیل، ۱۹۷۳، لاروس، باریس: مکتبه لاروس.
۱۱. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۷، تفسیر تسنیم، قم: انتشارات اسراء.
۱۲. الجوهری، اسماعیل بن حماد، ۱۴۱۸، تاج اللغة و صحاح العربیة المسمی بالصحاح، بیروت: دار الفکر.
۱۳. الحر العاملی، محمدبن الحسن، بی‌تا، وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة، به تصحیح عبدالرحیم الربانی الشیرازی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۴. الراغب الاصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۶، مفردات الفاظ القرآن، به تحقیق صفوان عدنان داوودی، دمشق: دار القلم.

۱۵. الرشیدالرضا، محمد، ۱۹۹۵، تفسیر القرآن الکریم؛ تفسیر المنار، بیروت: دارالمعرفة.
۱۶. الزحیلی، وهبه، ۱۴۱۱، التفسیر المنیر فی العقیدة و الشریعة و المنهج، دمشق: دار الفکر.
۱۷. سیدرضی، نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی.
۱۸. سیف، علی اکبر، ۱۳۹۲، روان‌شناسی پرورشی، چ ۵۲، تهران: نشر دوران.
۱۹. شعاری نژاد، علی اکبر، بی تا، فرهنگ علوم رفتاری، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۲۰. الطباطبایی، سیدمحمدحسین، ۱۴۱۲، المیزان فی تفسیر القرآن، چ ۵، قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
۲۱. الطبرسی، فضل بن حسن، ۱۴۱۵، مجمع البیان، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
۲۲. الطبرسی، علی بن الحسن، ۱۴۱۸، مشکاة الانوار فی غرر الاخبار، به تحقیق مهدی هوشمند، قم: دار الحدیث.
۲۳. الطریحی، فخرالدین، ۱۳۹۵، مجمع البحرین، چ ۲، تهران: مرتضوی.
۲۴. طوسی، محمد بن محمد نصیرالدین، ۱۳۸۹، اخلاق ناصری، به کوشش سیاوش خوشدل، تهران: انتشارات فراهانی.
۲۵. الطوسی، محمد بن حسن، بی تا، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۶. الغزالی، محمد، ۱۳۶۵، احیاء علوم الدین، بیروت: دار الکتب العلمیة.
۲۷. _____، ۱۳۸۶، کیمیای سعادت، چ ۱۳، به کوشش حسین خدیوچم، تهران: انتشارات علمی فرهنگی.

۲۸. غیوری، علی، ۱۳۸۲، تفسیر مبین، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۲۹. الفراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۱۴، ترتیب کتاب العین، به تحقیق مهدی المخزومی، ابراهیم السامرائی، قم: انتشارات اسوه.
۳۰. الفیروزآبادی، مجدالدین محمد، بی تا، القاموس المحیط، بیروت: دار الجبل.
۳۱. قربان نیا، ناصر، ۱۳۸۸، «بررسی اصل معاشرت به معروف میان همسران از منظر قرآن کریم»، فصلنامه بانوان شیعه، س ۶، ش ۲۰.
۳۲. الکاشاری، محمد بن المرتضی محسن، ۱۴۰۳، المحجة البيضاء فی تهذیب الاحیاء، به تصحیح علی اکبر الغفاری، بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات.
۳۳. کاتوزیان، ناصر، ۱۳۷۵، حقوق مدنی خانواده، تهران: نشر یلدا.
۳۴. کنث، دیویس، ۱۳۸۲، خانواده؛ راهنمای مفاهیم و فنون برای متخصص یاور، ترجمه فرشا بهاری، تهران: نشر تزکیه.
۳۵. کاویانی، محمد، ۱۳۹۰، «کمی سازی و سنجش سبک زندگی اسلامی»، مجله روان شناسی و دین، س ۴، تابستان.
۳۶. اللیثی الواسطی، علی بن محمد، ۱۳۷۶، عیون الحکم و المواعظ، به تحقیق حسین الحسنی البیرجندی، قم: دار الحدیث.
۳۷. المبارک، زکی، بی تا، الاخلاق عند الغزالی، قاهره: دار الشعب.
۳۸. المجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳، بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار، بیروت: مؤسسة الوفاء.
۳۹. المصطفوی، حسن، ۱۳۶۸، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۴۰. مقری فیومی، احمد بن محمد، بی تا، المصباح المنیر، بی جا: دار الفکر.
۴۱. الموسوی السبزواری، سید عبدالاعلی، ۱۴۰۹، مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسة اهل البيت علیهم السلام.

۴۲. نیون، دیوید، ۱۳۸۳، صد راز موفقیت در زندگی زنشویی، ترجمه نفیسه معتکف، تهران: درسا.

۴۳. الهندی، علی‌المتقی، ۱۳۹۷، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، بیروت: مکتبة التراث الاسلامی.

44. Grief, A.P. (2000) , Charactersiecs of families flunction well, Journal of Family Issues, 21.

45.Gongm M., (2000), Does status inconsistency matter for marital quality? Journal of Family Issues, 28 (12).

46.Gottman, J.M. ,(1993), A theory of marital dissolution and stability ,Journal of Family Psychology, 7 (1).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی